

سال دوم - شماره ۳ خردادماه ۱۳۵۳

# گروه

پیرمسئول: مرتضی کامران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
دیباچه

بنام خداوند بخشنده و بخشاینده مهر بان

بساط با فروشکوه «تمدن و فرهنگ عظیم ایرانی اسلامی» که قرن‌ها در اینسوی بحرالروم و در سرزمین مشرق، جنبش و تابش و نمایش داشت و بعد بخیطه مغرب و آنسوی بحرالروم، رفت و بسط و نشر یافت و خمیرمایه تمدن بزرگ فعلی جهان گردید، پایه‌گذاران و کارگردانان و شاهکار آفرینانی داشته‌است که اکثریت قریب باتفاق آنان، پاکیزه‌جانان و پاکدلان و اندیشمندان

←

سلسله انتشارات بنياد نيکوکاری نوریانی

«۲»

التنوير\*

در ترجمه و تفسير اصطلاحات پزشکی بزبان پارسی

و شرح حال

ابو منصور حسن بن نوح القمري البخاری

از دانشمندان قرن سوم و چهارم هجری

پژوهندگان ایرانی بودند که به نیروی قریحه ذاتی و استعداد فطری و نبوغ جلی و هوش سرشته و بکار انداختن دماغهای پخته و ورزیده و اندیشه‌های موشکاف و دقیقه‌یاب و فکرهای خلاق و جوال، و بمدد غور و فحوص و تحقیق و استقصا، و بیاری ملکه استدراک و استنباط و استقراء و اجتهاد خود، در همه رشته‌ها و شعبه‌های علوم و فنون و ادب و حکمت و معارف بشری، آثار نخبه و زبده از خویش بیادگار گذاشته‌اند و به بساط آفرینش آفریدگار و عرصه بود و نمود آفریدگان مجد و عظمت و صفا و جلا بخشیده‌اند.

پس باید سرزمین پاك و تابناك ایران را سرچشمه فیاض آب صافی و زلال و گاهواره اختر تابان و فروزان این فرهنگ اصیل و تمدن جلیل دانست و قوم هوشمند و پژوهنده ایرانی

\* از این کتاب دوهزار نسخه بر کاغذ هشتاد گرمی و جلد مقوایی بچاپ رسیده است و در مرکز نشر سپهر (روبروی دانشگاه) و کتابخانه‌های معتبر تهران و شهرستانها بقیمت هر جلد ۱۵۰ ریال بفروش میرسد.

را میراث‌خواران حقیقی و واقعی این نوایغ و مشاهیر علم و ادب بشمار آورد که بحسب مشعل افروز و گاهواره‌جنبان و پیش‌آهنگ و طلایه‌دار کاروان بزرگ دانشمندان و هنرورانی هستند که در خلال قرون و اعصار، از شاهراه تمدن بشری گذشته‌اند و بهر مرحله و در هر منزل، از خود، اثری بیادگار گذاشته‌اند.

این فرهنگ بانام و نشان و تمدن عالیشان، بسالیان دراز، همواره، زنده و فروزنده بوده است و اگر هم، گاه بگاه، بعلل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، در مظاهر آن فتوروستی راه بسته، ولی ارکان و قوایم آن محکم و استوار برپای مانده است و تا با امروز که سال ۱۳۹۳ هجری قمری، یعنی نیمه‌آخر قرن چهاردهم می‌باشد، دامنه‌آن بدست ما رسیده است.

یکی از شعب علوم و فنون، که در تمدن عظیم اسلامی ایرانی، مطمح نظر و مورد توجه گروهی از اعظم عالمان و اکابر پژوهندگان قرار داشت، علم طب یعنی شناخت بیماریها و تشخیص و درمان آنها بود.

علم طب یا باصطلاح حکیمان اسلامی «صناعت طب»، در قرن دوم و سوم هجری، در دانشگاه بزرگ «جندی شاپور» سرزمین ایران، تدریس می‌شد و پزشکان نامدار ایرانی در آن علم و صنعت مهارت داشتند. خمیرمایه این طب از یونان و هند بود و بیشتر جنبه نظری داشت ولی پزشکان ایرانی، در جنبه عملی آن نیز کار کردند و آنرا از لحاظ علمی و عملی، هر دو، محل اعتنا و مناط اعتبار قرار دادند.

این صنعت، رفته‌رفته، از ایران بخارج بسط و نشر یافت و پای آن از اهواز به بغداد کشیده شد. در عهد خلفای اموی و عباسی، ضمن ترجمه کتابهای بی‌شمار، از زبانهای پهلوی و یونانی و سریانی و مصری و هندی و عربی، که زبان علمی غالب زمان بود، بالطبع، مقدار معتنی به کتابها و رساله‌ها و کتاش‌های طبی و داروسازی و گیاهان پزشکی و مواد داروئی نیز، بوسیله ترجمانان دانشمند ایرانی، ترجمه شد و در دسترس طلاب قرار گرفت.

چون در معارف اسلامی، «صنعت طب» از مفرعات «علم حکمت» بشمار میرفت، بنا بر این کسانی که بتحصیل حکمت می‌پرداختند، بالملازمه، از آموختن صنعت طب گریزی و گزیری نداشتند. گروهی از آنان، که طبشان باین رشته رغبتی و میلی فراوانتر داشت، بطور خاص، بغور و فحص و تحقیق و تتبع در آن فن، زحمتی و ریاضتی بیشتر بر خود هموار میکردند و بعنوان طبیب، بتدریس طب و ساختن داروها و علاج بیماران می‌پرداختند.

بدین‌نقار، در پهنه فرهنگ عظیم اسلامی ایرانی، صنعت و علم طب، با کلیه اضلاع و مفرعات آن، صاحب‌عنوانی منفرد و مشخص شد و حرفه‌ای ممتاز و محترم گشت و حکیمان و عالمانی نامدار، که در عین حال طبیبان و داروسازانی مشهور نیز بشمار می‌آمدند، در عرصه هنرنمایی و شاهکار آفرینی، قامت افراختند و با حاصل تعقل و تفکر و نتیجه تجربیت و ممارست خود، در این پهنه، پیش‌ناختند

و «رسم اوائل»، یعنی طب هند و یونان را، منسوخ ساختند و خود از مکتبی تازه و بلندآوازه، در بگشودند.

اگر بخواهد نام و نشان و شرح حال پزشکان و جراحان و داروسازان و گیاهشناسان این دوران از «تمدن بزرگ ایرانی اسلامی» را، در اینجا، بیاورد و از تصنیف‌ها و تألیف‌های آنان شمه‌ای، هر چند موجز، یاد کند سخن بدر از انجامد و دیباچه کتاب فرع زائد بر اصل شود. تنها باین نکته بسنده میکند که در میان اینهمه اقمار و کواکب، که در پهنه فراخ آسمان طب این عصر درخشان می‌تابد، نوار تابناک و اشعه روح بخش چهار خورشید فروزان بچشم میخورد که هنوز هم پس از گذشت چهارده قرن، شرق و غرب و شمال و جنوب جهان را روشن دارد:

بوعلی سینای خراسانی با کتاب «قانون» و محمد بن زکریای رازی با کتاب «الحاوی» و سید اسمعیل جرجانی با کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» و علی بن عباس اهوازی با کتاب «الکامل الصناعه الطبیه الملکیه».

اغلب این کتابها بزبانهای زنده جهان ترجمه گشته و تا یک قرن پیش دردانشگاههای مهم گیتی تدریس میشده است.

اما کتاب حاضر، بنام «التنویر»، مؤلف ابو منصور حسن بن علی بن نوح القمیری البخاری، که بوسیله «بنیاد نیکوکاری نوریانی» نخستین بار، از روی نسخه‌ای مخطوط، تصحیح و تفسیح شده و بطبع و نشر رسیده است و از نظر اهل دانش و ادب و هنر و عاشقان و شیفتگان آثار کهن ملی ایران زمین میگذرد، یکی از نقایس ارزنده گنجینه گرانبهای موارث فرهنگ با فروشکوه باستانی و یکی از جمله کتابهای ممتع طبی قدیم است که یکی از استادان لایق و پزشکان حاذق خطه خراسان درده قرن پیش نوشته است.

کتاب التنویر، نثری ساده و روان و فصیح و بلیغ دارد که همان پارسی دری است که سبک محاوره و ساده معمولی مردم آن زمان، در ماورالنهر خراسان، بوده است و از کهن سالترین نمونه‌های نگارش بشمار میرود و باید آنرا بی شک یکی از علل مبقیه استقلال مملکت و دوام ملت کهنسال و هوشمند ایران دانست و چون جان شیرین دوست داشت و در حفظ و حراست آن از بدل جان و مال دریغ نکرد.

ابو منصور، همین کتاب را بی کم و کاست، بزبان عربی نیز نوشته است و این امر در سده سوم و چهارم هجری و بخصوص در عهد سامانیان، که از دل و جان مروج زبان پارسی بودند، رواج و رونق داشت و بعضی از دانشمندان و پژوهندگان ایرانی که ذواللسانین و یا بقول عربها «ذوقطربین» بودند، یعنی زبان پارسی و عربی را بسرحد کمال میدانستند و در نهایت فصاحت و بلاغت بآن سخن میگفتند و می‌نوشتند، کتاب خود را، بدو زبان عربی و پارسی، تألیف و تصنیف میکردند و در واقع خود ترجمان اثر خود میشدند. چنانکه ابوریحان بیرونی کتاب «التفهیم فی صناعه التنجیم» را اول بعبری نوشت و بعد خود، آنرا پارسی گزارد و سید اسمعیل جرجانی «کتاب ذخیره خوارزمشاهی»

را نخست در خوارزم پاریسی نوشت و بعد در نیشابور آنرا بحرّی برگرداند و استخری کتاب «مسالك الممالك» را بدوزبان تالیف کرد و مسعودی غزنوی کتاب «کفاية النجوم» را پاریسی و عربی نگاشت.

ابومنصور، بجزالتنویر، کتابهاورسالهها ومقالتهای دیگر نیزنوشته است که خوشبختانه نسخ مخطوط آنها در کتابخانههای معتبرایران و جهان وجود دارد وشایسته است که همه آنها بچاپ برسد وانشاءالله «بنیادنیکوکاری نوریانی»، پاسدارعلم وادب و هنروتاریخ و فرهنگ ایرانزمین، این مهم را وجهه همت قرارخواهد داد وبمرورکفایت خواهدکرد.

ازمهمترین اثر این پزشك نامدار ایرانی، کتاب «غنی ومعنی» است درشرح امراض واعراض وکفایت تشخیص واصول تداوی ونسخه نویسی وچنانکه خود اودرمقدمه کتاب مزبورگوید: «آنرا برای پزشکان نوشته تابا آموختن آن ازتصفح وتفحص ومراجعه وتحقیق وتبّع درمدارك و مأخذ بسیاروکتب بیشمارمستغنی وبی نیازآیند».

بطوریکه گفته اند تا ظهور این کتاب، در باب علاج امراض، هیچیک از پزشکان اسلامی، کتابی بدین شرح و بسط، تصنیف نکرده بود.

ابومنصورحسن بن نوح القمري بخاری ازطیبیان قرن چهارم هجری و در روزگار سلطنت سامانیان میزیسته است. تاریخ ولادت ووفات او، بطوردقیق، یعنی از لحاظ روزوماه وسال، معلوم نیست ولی چون حجة الحق شیخ الرئیس ابوعلی بن سینا (۳۷۰-۴۲۸) درعنفوان جوانی، اواخرعمروزمان شیخوخت ابومنصورا درك ودرعلم پزشکی، از محضر ومجلس درس و افادت و افاضت آن استاد بزرگ کسب فیض کرده است ونیز نظرباینکه ابوبکر محمد بن زکریا رازی (۲۴۰-۳۱۱) باوی معاصر بود وهریک، مطالبی ازدیگری در کتابهای خود نقل کرده اند بنابراین میتوان، ازروی تاریخ تولد ووفات ومدت عمراین دودانشمند بزرگ، یعنی بوعلی سینا ومحمد زکریا، سال تولد ومرگ ویادوران زندگی ابومنصوررا، بطورتقریب، معین ساخت.

در باب زندگی ابومنصور، درمآخذ ومراجع خیلی قدیم، شرحی کامل وشامل دیده نمیشود. ابن ابی اصیبه در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء»، وکاتب چلبی معروف بحاج خلیفه در «کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون»، از او آثار اوباختصار ذکر می کنند ولی از همین مطالب مختصر میتوان دریافت که ابومنصور از افاضل و متمیزین اطباء واعاظم ومتمبحرین فضلاى زمان خود بود وبوفورعلم وحذاقت وجودت عمل ومعالجت شهرت بی اندازه داشت وبه تعبیر صحیح «کان سید وقته واوحد زمانه». وی دراصول وفروع طب بصیر وخبیر بود، بویژه دردرمان وبرگردن داروها، یعنی دراصول تداوی، ازروشی پسندیده پیروی میکرد.

پادشاهان زمان، قدروی بواجبی میدانستند وبدانش وتجربة اوحرمت فراوان می نهادند. چنانکه میدانیم، در آن قرون واعصار، دانشمندان بیک علم وفن بسنده نمیکردند و بدنبال

«ذوفنونی» عمری را به تحقیق و تتبع میگذرانند و می‌خواستند از هر خرمنی خوشه‌ای و از هر خوشه‌ای دانه‌ای در دست داشته باشند. بنابراین ابو منصور نیز، که یکی از اجله و فحول عالمان آن زمان بود، از این راه و رسم بکنار نماند و تنها به پزشکی اکتفا نکرد، بلکه در علم تاریخ و سیر و رجال ایرانی و اسلامی نیز تبحریافت و چون بکتابخانه‌های عظیم انباشته بکتاب متعدد قسطنطنیه، دارالخلافه آل عثمان، و بغداد و دیگر بلاد اسلامی دسترسی یافته بود و لحظه‌ای هم از مطالعه فارغ و غافل نمیماند لاجرم در کتاب شناسی محقق بی‌نظیر بود.

اما جریان طبع و نشر این کتاب چنین است:

در آغاز تاسیس بنیاد نیکوکاری نوریانی، از جمله برکات و نعماتی که شامل حال شد، همکاری نزدیک با عالم نبیل و سید جلیل آقای سید محمد کاظم امام سلمه‌الله تعالی بود، ایشان، در یکی از دیدارها و گفتگوها، از طبع کتاب «التویر» تألیف ابو منصور سخن بمیان آوردند و گفتند نسخه‌ای مخطوط از این کتاب در یک مجموعه قدیم، در کتابخانه ملی ملک در تهران وجود دارد و یکی از نفایس ذخایر این کتابخانه معظم و مغتنم بشمار میرود. اما رسم المخط کتاب کهنه و سالخورده است و بواسطه بد خطی و لایقرو بودن بسیاری از کلمات و ابهام برخی اصطلاحات پزشکی و وجود اغلاط فراوان، استفاده از آن نسخه بسی دشوار باشد. اما ایشان زمانی دراز، در جستجوی نسخه‌ای دیگر از این کتاب، در کتابخانه‌های تهران و برخی فهارس کتابخانه‌های داخل و خارج، تصفح و تفحص و استقراء بعمل آورده‌اند و متأسفانه از نسخه‌ای دیگر نام و نشانی نیافته‌اند تا این اواخر، که در حیص و بیص جستجو و بوک و مگر گفتگو، مجموعه‌ای مخطوط و نسبتاً قدیم، نزدیکی از کتابدوستان تهران یافته‌اند بنام «حدود الامراض» و پس از مختصر امعان نظر دانسته‌اند که نسخه «حدود الامراض» ترجمه یا اصل عربی کتاب «التویر» است که نویسنده مجموعه، بواسطه عدم توجه بمندرجات مقدمه و یا بمناسبت موضوع، عنوان «حدود الامراض» بآن داده است بنابراین برایشان روشن شده است که این دو نسخه، یک کتاب است که ابو منصور نخست آنرا بزبان عربی نگاشته و سپس بی‌کم و کاست پارسی برگردانیده است و یا برعکس.

اما نسخه پارسی، مانند اغلب نسخه‌های خطی، بواسطه تواردایابی نساخ و تداول اقلام کتاب و طول زمان، مشتمل بر اغلاط و تحریفات و سقطات بسیار است و نسخه عربی نیز از اغلاط فراوان تهی نیست و دشوارتر آنکه کلمات نادرست و مشکوک فیها، اغلب اصطلاحات پزشکی و برخی از آنها مصطلحات و لغات پارسی سره است که در زمان مؤلف کتاب در ایران شرقی متداول و رایج و زبان توده مردم آن دیار بود و اکنون بکلی مهجور است.

بنیاد نیکوکاری نوریانی پس از وقوف بر این مراتب، از آقای امام خواست این کتاب را که از متون بسیار عزیز و نفیس قدیم ایران است، طبق ماده ۴ اساسنامه بنیاد، مهیا و ممکن تنظیم و

تصحیح و تحشیه کنند تا بنفقه بنیاد طبع و نشر شود و آن استاد عزیز، از آنجا که عمر گرانمایه خویش را باینگونه خدمات ذقیمت فرهنگی وقف و حصر ساخته است، این مشول را بحسن قبول تلقی کرد و بیدرنک بکار پرداخت و در نتیجه مقارنه نسخه پارسی بانسخه عربی و مراجع پاره‌ای از کتب طبی، مانند قانون ابن سینا و ذخیره خوارزمشاهی و کتاب غنی و منی تالیف خود ابومنصور و مفتاح الطب ابوالفرج و کامل الصناعه اهوازی و کناش ساحر و عده‌ای مأخذ و مراجع دیگر، بتصحیح آن همت گماشت و با توضیحات و تفسیرات پاره اصطلاحات طبی و داروئی، بعضی مجهولات را معلوم ساخت و برای مزید فایده، مقدمه‌ای در شرح حال و تاریخچه زندگانی و آثار ابومنصور و پیدایش علم طب ایرانی اسلامی پرداخت و فهرستی از لغات و اعلام و جایها و کتابها و مراجع بر متن کتاب بیفزود و کار خود را بکمال نزدیک گردانید و برای طبع و نشر در دسترس بنیاد نیکوکاری گذاشت و بنیاد نیز طبق مدلول و مفاد اساسنامه خود بیدرنک طبع و نشر آن دست یازید.

اما شرح حال خود جامع و شارح و مصحح کتاب التویرا، چون در مقدمه کتاب ابوریحان بیرونی، مؤلف آقای امام نوشته‌ام و این مقدمه در شماره دوم سال اول، ماهنامه گوهر بالتمام درج شده است، بنابراین در اینجا تکرار نمیکنم.

بنیاد نیکوکاری نوریانی، پاسدار تاریخ و شعر و ادب و هنر و فرهنگ ایران، بسیار خوشوقت است که توانسته است، در راه اجرای ماده ۳ و ۴ اساسنامه، که تشویق دانشمندان و هنرمندان بتصنیف و تألیف و ترجمه کتابهای سودمند و تنظیم و ترجمه و تصحیح و طبع کتابهای قدیمی و خطی یا چاپی نادر الوجود است، برنامه‌ئی جامع طرح کند، و با توجه بمقدورات و مسکنات مالی و اداری خود، آنرا به موقع اجرا بگذارد. در مدت نه ماه که از تاریخ تأسیس این بنیاد میگذرد علاوه بر چاپ و نشر ماهنامه تحقیقی گوهر، در تاریخ و شعر و ادب و فرهنگ ایران، و ماهنامه «خلاصه نوشته‌های پزشکی»، برای آشنا ساختن پزشکان و دانشجویان پزشکی بتازه‌های مندرج در مطبوعات مهم پزشکی جهان و کتاب ترجمه احوال و فهرست آثار ابوریحان بیرونی، از مجموعه آثار و احوال دانشمندان، و اینک کتاب التویرا، از همان مجموعه، طبع و نشر میکند و بهمه شیفتگان و عاشقان علم و ادب و فرهنگ مژده میدهد که این رشته سردر آرد و امیدوار است دارای و توانائی بنیاد، بمرور بآن حد برسد که بتواند هم بر شماره نشریه‌های منظم ماهانه خود، در رشته‌های دیگر، بیفزاید و هم بهر دو یا سه ماه، یک کتاب ارزنده آماده کند و بطبع برساند. از خداوند در حصول این آرزو توفیق مسئلت دارد که آنه خیر موفق و معین به نتوکل و به نستعین.

رامسر. جمعه ۱۷ آبان ماه ۱۳۵۲

دایر کل بنیاد - دکتر نصره الله کاسمی

دایر کل بنیاد